

**خبر**

**بیش از ۵ هزار دیدار با خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم در سراسر کشور**

معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران و رئیس قرارگاه جنگ تحمیلی سوم در بنیاد از ۵ هزار دیدار با خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم در سراسر کشور خبر داد. فریده اولاد قباد، به تشکیل قرارگاه ویژه جنگ تحمیلی سوم با تأکید سیداحمد موسوی، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران اشاره کرد و گفت: برای تشییع و تدفین شهدای جنگ تحمیلی سوم کمیته‌های تخصصی قرارگاه جنگ تحمیلی سوم تشکیل شد و شیوه‌نامه‌هایی برای احراز شهدای مردمی و شهدای نظامی به استان‌ها ابلاغ شد تا براساس این شیوه‌نامه‌ها استان‌ها گزارش‌هایی به قرارگاه ارسال کنند. رئیس قرارگاه جنگ تحمیلی سوم در بنیاد شهید تصریح کرد: مهم‌ترین کمیته قرارگاه جنگ تحمیلی سوم کمیته احراز است. آمار شهدای جنگ تحمیلی سوم به این قرارگاه از استان‌ها روزانه ارسال می‌شود و تعداد شهدای مردمی کمتر از شهدای نظامی نیست. اولاد قباد همچنین با اشاره به تشکیل کمیته نهضت دیدار با پیگیری مدیرکل مددکاری و مشاوره بنیاد شهید و امور ایثارگران گفت: روزانه دیدار از خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم در استان‌ها انجام می‌شود که با حضور گسترده مردم و مسئولان، استانداران، فرمانداران و نمایندگان مجلس در استان‌ها همراه است. معاون تعاون و امور اجتماعی بنیاد شهید و امور ایثارگران ضمن حضور فعال مدیران و مسئولان بنیاد از جمله سیداحمد موسوی، معاون رئیس جمهور و رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران و حجت‌الاسلام موسوی‌مقدم، نماینده ولی فقیه در بنیاد به دیدار با خانواده شهدای جنگ تحمیلی سوم و کمیته‌های دیگر قرارگاه این جنگ در بنیاد شهید و امور ایثارگران از جمله کمیته‌پیدااشت و در مان، کمیته روابط عمومی، کمیته حقوقی و کمیته پشتیبانی اشاره کرد.



**پیکر ماکان هنوز پیدا نشده**  
شهید ماکان نصیری روز نهم اسفند سال ۱۴۰۴ در حمله موشکی دشمن به مدرسه میناب همراه معلم و هم‌کلاسی‌هایش آسمانی شد. پیکر ماکان که دانش‌آموز کلاس اول دبستان بود، هنوز پیدا نشده و خانواده او چشم انتظارند. او متولد نهم‌دی ماه سال ۱۳۹۷ ایود.

**شهادت معلم باردار در میناب**  
زهره شهریاری، معلم کلاس دومی‌های مدرسه میناب بود که در حمله آمریکایی- صهیونی به شهادت رسید. این معلم ۳۳ ساله برای فرزند اولش باردار بود و همراه با جنین ۶ ماهه و دانش‌آموزان پسرش زیر آوار مدرسه ماندند و آسمانی شدند.

**یاد** سمیه جمالی: نویسنده

این روزها تنها دلخوشی مادر فیلم‌های دخترمان عکس‌ها و تاب ماندن در خانه را نداریم. از درد دل‌تنگی و حسرت بازی و دویدن‌های مینا در خانه به گلزار شهدا پناه می‌بریم. آنجا کمی آرام می‌شویم

**دخترم را از روی کفش شناسایی کردیم**

پای صحبت‌های پدر مینا زارعی از شهدای مدرسه میناب

**گزارش**  
**الناز عباسیان | روزنامه‌نگار** وقت خرید کیف صورتی‌اش چقدر ذوق داشت، اما کسی چه می‌دانست همین کیف می‌شود نشانه‌ای برای پدر و مادرش تا در میان ده‌ها پیکر خونین و تکه‌تکه‌شده، پاره‌تنشان را پیدا کنند. امسال کلاس اول رفته بود و تازه داشت خواندن و نوشتن یاد می‌گرفت. برای نوشتن اسمش پر از اشتیاق بود. هنوز حروف اسمش «مینا» را کامل یاد نگرفته، دوست داشت اسمش را زودتر بنویسد، «مینا زارعی» اسمش را روی تاریخ مظلومیت این وطن با خون خود نوشت. حالا پدر و مادر داغدار می‌مانند و خاطرات دختری زیبا و دوست‌داشتنی، علیرضا زارعی، پدر مینا از این فرشته زمینی برای ما می‌گوید.

**صورت مینای من قابل شناسایی نبود**

من ۲ دختر داشتم: فاطمه بیسنا و مینا. مینا دختر بزرگ‌ترم ۷ ساله بود که پر کشید. ۲۸ تیرماه سال ۹۸ به دنیا آمد. با هزار شوق و امید مینا را بزرگ کردیم که به‌دست رژیم‌های کودک‌کش صهیونی و آمریکایی پرپر شد. وقتی صدای شلیک موشک را شنیدم، سریع به سمت مدرسه رفتم. تمام مسیر به این فکر می‌کردم که الان مینای من ترسیده و استرس گرفته و باید سراسیمه بروم و به او دلگرمی و آرامش بدهم. اما دریغ که دیر رسیدم و مینای من در آغوش فرشته‌ها آرام گرفته بود. سریع شروع کردیم به آواربرداری و پیدا کردن بچه‌ها. اول امید داشتیم آنها را زنده خارج

**پر سر مزارش آرام می‌گیریم**

شب قبل از شهادتش به من گفت: بابا می‌شه با هم بریم پارک؟ رفتم و کلی بازی کرد. وقتی برگشتیم خانه، یادش افتاد که املا می‌فرماید را ننوشته است. با همان زبان شیرینش گفت: بابایی، می‌شه دیکته امشب رو تو بهم بگی؟ من آن شب املا می‌فرمایم مینا را گفتم و هنوز آن کلماتی که مینا با صدا کشی می‌نوشت در خاطر من مانده است. مینا عاشق نقاشی کشیدن بود. هر لحظه‌ای که حوصله‌اش سر می‌رفت نقاشی می‌کشید. تمام اتاق مینا، روی کمد‌ها و دیوار پر شده از نقاشی‌های رنگی دخترم. آخرین نقاشی‌ای هم که



**حمله به مدرسه، خطای محاسباتی نبود**

برخی می‌گویند حمله به مدرسه خطای محاسباتی دشمن بوده، اما من باور نمی‌کنم. دشمنی که ادعا می‌کند پیشرفته‌ترین ابزار آلات نظامی و ماهوارهای را دارد چگونه چنین جنایتی کرده؟ در عکس‌های هوایی، نقاشی دیوار مدرسه، زمین بازی و تیر دروازه و فضای آموزشی کاملاً مشخص است. اینها با قصد و نیت قبلی زدند. ملت ایران انتقام خون شهدا را می‌گیرند.

مکت

**همیشه دیر برمی‌گردد**

همیشه دیر برمی‌گردد. هر وقت با دوستان قرار داری، می‌پرسم: «کی برمی‌گردد؟» می‌گویند: «به ساعت... ساعت، همین وقت‌ها دیکه.» اما رفیق‌هایت را که می‌بینی، همه چیز یادت می‌رود. می‌دانم پایت که به توپ برسد، زمان را فراموش می‌کنی. عادت دارم به بدقولی‌هایت. هر دفعه هم ادای عجله را در می‌آوری، از در می‌آیی تو و یک قصه سرهم می‌کنی و آخر سر می‌گویی: «ببخشید! به خدا، دفعه بعد بموقع میام، مامان!» دفعه بعد باز خام می‌شوم و خیال می‌کنم این بار دیگر خواست را جمع‌خواهی کرد، اما هربار دیرتر از بار قبل برمی‌گردد.

عصر جمعه بود که گفتم: «مامان پول بده با بچه‌ها زمین چمن اجاره کردیم.» جلوی رویت روی زانو نشستم و نگاه کردم توی چشم‌هایت. گفتم: «نمی‌گم ترو پیش دوستات، اما چون مامان تار یک نشده برگرد؛ من نگرانم می‌شم.» گفتم چشم، اما با صورت پرفروخته و موهای درهم‌ریخته برگشتی. تند دودیدی توی اتاق. داد زدم: «ای کجاست مگه قرار نبود شب نشده برگردی؟ دیکه بابای می‌دونه با تو!» جواب دادی: «فرتیم فلافل بخوریم. بعد از اذان اومدن. میلاد شاهده.»

توی چارچوب در حمام گرفتتم. ساق شلوارت خاکی و ساییده و دکمه دوم پیرهن سفید افتاده بود. زدم توی صورت: «تصادف کردی؟ به خدا، من بابای میلاد رو می‌سوزونم باز تو رو سوار موتور کرده باشه!» صورتت را بر گرداندی. رد سرخی را دیده بودم. - تو فوتبال زمین خوردی. گفتم: «با لباس بیرون بازی می‌کردی؟! منو گیر آوردی، بچه‌ها» پیراهنت را تندتند در آوردم. پشتت را راه خراش بود. از زیر گردن تادم کمر. انگار روی سنگ و خاک کشیده بودندت. چانه‌ات را محکم گرفتم و فشار دادم. «کی همچین غلطی کرده؟ مادرش رو به عزاش می‌نشنوم.» در حمام را بست و گفتم: «زمین خوردی. زمین خوردی. به بابا چیزی نگو.» به بابا چیزی نگفتم، اما کار تو به جایی رسیده که شب هم بیرون بمانی؟ ۲۰ شب را که نمی‌توانستم از او پنهان کنم. همه دوستات برگشتند، همیشه سر به‌هوا می‌طاهان! دیر می‌آیی. دیر آمدی و مختصر، بچه‌ها! پس از ۳۰ روز چشم‌انتظاری، پیکر محمدطاهان جعفری، از شهدای مدرسه میناب پیدا شد.

**جدول ۹۶۳۹**

افقی:  
۱- تیزپرواز- رمانی عاشقانه نوشته لویز امی الکوت، نویسنده آمریکایی  
۲- تکیه‌کلام درویش- افسرده- پندار  
۳- محل آموختن درس- ینگه‌دنیا- از هفت قلم آرایش قدیم  
۴- سودای ناله- آکنده- دو نوازنده  
۵- ریشه- قدرت و توان- علم و آگاهی- سبکی در موسیقی پاپ غربی  
۶- معادل فارسی ری‌اکشن- صنعت جهانگردی  
۷- پنجاه و نهمین سوره قرآن- از تیم‌های فوتبال باشگاهی ایتالیا- کفش ورزشی  
۸- فناوری اطلاعات- خراب- از پادشاهان ساسانی  
۹- چندوجهی منظم- گیاه رنگریزی- انتقام  
۱۰- از مشتقات آمونیاک- وسیله‌ای برای انتقال صدا  
۱۱- دانه معطر- اجازه‌نامه- شتربی کوهان- مذکر  
۱۲- مهلت دادن- سیم‌پیچ- تکرار حرفی  
۱۳- رود پر آب مصر- فلاش تانک- گلی زیبا  
۱۴- فرمان کشتی- لباس ورزشی- داخل شدن  
۱۵- درهم آمیخته- معادل فارسی شعله

عمودی:  
۱- جیوه- باردار- شیوه  
۲- آلنومی یا آواز سالار عقلی- سنگ فضانورد شوروی  
۳- اسب قهوه‌ای- رشوه‌خواری- آژند  
۴- گوشه‌ای در دستگاه نوا- خوراکی برای چارپایان اهلی- گیاه مرداب  
۵- به درستی که- ساقه خوراکی ترش و شیرین  
۶- گونه- بایگانی- لیگ فوتبال اسپانیا  
۷- نامی دخترانه- شهری در استان فارس- نهایت  
۸- افسار- نوعی پارچه نخی ظریف- محلی  
۹- برکت سفره- چرخش- آبشاری در شهرستان سیهکل گیلان

**جدول ۵۲۷۷**

افقی:  
۱- شکسته شدن- رفیق منحرف- بوی رطوبت  
۱۱- منحصر به فرد- ساخته شده از نقره  
۱۲- کاشف میکروب سل- جلوس کردن- ممیزی  
۱۳- اجازه ورود به کشور خارجی- از القاب اشرفی اروپا- دیوار بلند  
۱۴- هواپیمای درستی- بر چهره گل... خوش است  
۱۵- حقه و تیرنگ- زیرین- رهگذر

عمودی:  
۱- کاشف میکروب سل- جلوس کردن- ممیزی  
۱۳- اجازه ورود به کشور خارجی- از القاب اشرفی اروپا- دیوار بلند  
۱۴- هواپیمای درستی- بر چهره گل... خوش است  
۱۵- حقه و تیرنگ- زیرین- رهگذر

**جدول اعداد ۵۲۷۷**

اعداد ۹ تا ۱ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.

**سخت**

			۳			۹	۴	
۷	۵							۲
۶				۸				
		۸		۵		۴		
					۱	۹		۶
			۲					۸
								۵
۹								۳
	۳	۲				۷		

**متوسط**

				۲				۶
۸				۹		۵		
	۳				۱	۹	۷	
						۵	۶	۴
								۸
		۹						
۳		۸	۷					
۴	۸		۱			۵		
		۷		۳				۲
				۴				
۵								

**ساده**


**باهلمشهری در مترو دیده شوید**

تبلیغات محیطی ایستگاه‌های مترو  
تبلیغات بدنه قطار  
تبلیغات درون واگن‌ها  
پذیرش آگهی ۰۱۸۱۹